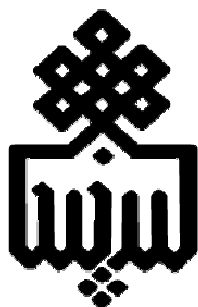


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه بیرجند
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات فارسی

موضوع:

بررسی تطبیقی مفهوم زمان در شعر شاملو و آدونیس

استاد راهنمای اول:

دکتر عبدالرحیم حقدادی

استاد راهنمای دوم:

دکتر اکبر شامیان ساروکلایی

استاد مشاور:

دکتر احمد لامعی گیو

نگارنده:

زلیخا حاجی پور طالکوهی

پاییز ۹۱

"کلّیه‌ی حقوق اعم از تکثیر، چاپ، نسخه‌برداری، اقتباس و... از این پایان‌نامه، متعلّق به دانشگاه بیرجند است و هرگونه سوء استفاده از آن پیگرد قانونی دارد. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است."

تقدیم

به پدرم و مادرم

که دستشان بوی زحمت

چشانشان رنگ خستگی

و صدایشان زنگ زندگیست...

چکیده

شناخت ابعاد مختلف زمان، مبحثی است که در طول زمان، ذهن بسیاری از نظریه‌پردازان را در جوامع مختلف به خود مشغول کرده و به گونه‌های متفاوت بازتاب داشته است. اما آنچه که در این میان قابل بررسی است پژوهش در دو حیطه‌ی زمان بیرونی (عینی) و زمان درونی (ذهنی) است که سایر نظریه‌ها را می‌توان در این دو دسته گنجانند. پژوهش حاضر با بررسی تطبیقی شعر شاملو و آدونیس به چگونگی بازتاب زمان به عنوان تجربه‌ای مشترک در شعر دو شاعر از دو ملیت متفاوت می‌پردازد. پس در آغاز، تعریف لغوی و اصطلاحی زمان و معرفی مهمترین دیدگاه‌های مطرح شده در باب آن مورد توجه قرار گرفته، سپس به اندیشه‌ی شعری شاعران و دریافت آنان از زمان فانی و راهکارهای‌شان برای رهایی از آن و پیوستن به زمان باقی اشاره شده است. نتیجه‌ی این پژوهش نشان می‌دهد که شاملو و آدونیس، برای گریز از زمان فانی و پیوند به زمان باقی از راهکارهایی چون بازگشت به گذشته، زمان اسطوره‌ای و عشق، یاری می‌طلبند.

واژگان کلیدی: زمان، زمان عینی، زمان ذهنی، شاملو، آدونیس، ادبیات تطبیقی.

فهرست مطالب

پیشگفتار ۸

فصل ۱- کلیات	۱۳
۱-۱- تعریف لغوی زمان	۱۳
۲-۱- زمان و انواع آن در مفهوم اصطلاحی	۱۳
۱-۲-۱- زمان اسطوره‌ای یا چرخه‌ای	۱۴
۲-۲-۱- زمان خطی	۱۵
۳-۲-۱- زمان روانی	۱۶
۴-۲-۱- زمان گرامری	۱۷
۵-۲-۱- زمان فلسفی	۱۸
۳-۱- انسان و زمان	۲۲
۴-۱- ادبیات، شعر، زمان	۲۵
فصل ۲- نگاهی گذرا به اندیشه و آثار شعری شاملو و آدونیس	۳۲
فصل ۳- زمان بیرونی در شعر شاملو و آدونیس	۴۲
فصل ۴- زمان درونی در شعر شاملو و آدونیس	۵۰
۱-۴- نوستالژی (بازگشت به گذشته)	۵۰
۱-۱-۴- بازگشت به کودکی	۵۵
۲-۱-۴- غم غربت (دوری از وطن)	۶۶
۳-۱-۴- باستان‌گرایی	۷۰
۲-۴- زمان اسطوره‌ای - چرخه‌ای	۸۱

۸۱	تکرار و حرکت دوری.....	۴-۲-۱
۸۶	بی‌زمانی.....	۴-۲-۲
۸۷	استفاده از قیدهای استمرار و جاودانگی.....	۴-۲-۳
۸۸	کاربرد قیدهای زمانی مبهم و ایجاد سیالیت زمان.....	۴-۲-۴
۸۹	شکست خطی زمان و توجه به زمان ذهنی.....	۴-۲-۵
۹۱	عشق.....	۴-۳
۹۸	نتیجه‌گیری.....	
۹۹	فهرست مراجع.....	

پیشگفتار

مسأله‌ی تحقیق:

حاکمیت قاطع زمان در تمام عرصه‌های زندگی بشر غیرقابل انکار است. حرکت منظم سیارات به دور خورشید که شب و روز را به همراه دارد و گردش دائمی چرخه‌ی مرگ و زندگی در طبیعت، تنها نمونه‌هایی از صورت‌های مختلف تسلط زمان در زندگی ماست. زمان با زندگی بشر گره خورده است و با وجوه مختلف خود استفاده‌های گسترده‌ای در میان جوامع معاصر دارد و آگاهی از آن برای هماهنگی با نظم پیچیده‌ی اجتماعی و اقتصادی حاکم بر روابط انسان‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. با وجود برداشت‌های متنوعی که از زمان، چه در محور تاریخی و چه در میان اقوام مختلف وجود دارد، توصیف عملکردهای متفاوت آن کار آسانی نخواهد بود و تلاش برای پاسخ به این پرسش که زمان چیست و چرا ارزیابی‌ها و تصورات بشر نسبت به آن این‌گونه متفاوت است غیرممکن به نظر می‌رسد.

در قرن اخیر بشر پیش از گذشته با زمان درگیر بوده است به گونه‌ای که پدیده‌ی زمان به موضوعی بحث‌انگیز در محافل علمی، دینی، فلسفی و ادبی تبدیل شده است. ادبیات به عنوان ابزاری سودمند در شناخت بشر، به گونه‌ای ژرف با نمودهای مختلف زمان درگیر بوده است و همگام با برداشت علوم طبیعی از زمان به توصیف زمان می‌پردازد. بعدی که ادبیات از زمان برای انسان آشکار می‌سازد فراتر از استدلال‌ها و تحلیل‌های مرسوم موجود در علوم طبیعی و توصیفی هدفمند و روانکاوانه است که در آن زمان چیزی جز خود انسان نیست. این زمان ادبی با وجود تمامی ابهام خود به ما نزدیکتر بوده و روح ما را به تسخیر خود در می‌آورد. نگارنده به منظور پی بردن به چگونگی درک و بازتاب این مفهوم مشترک در شعر معاصر فارسی و عربی بررسی این پدیده را وجهه‌ی همت خود قرار داده است.

از میان شعرای فارسی «شاملو» را برگزیدیم، وی معتقد است: زندگی لحظه‌ی حال است و لحظه یعنی گامی به سوی مرگ. و از میان شاعران عرب آدونیس را که انسان را مالک حقیقی زمان می‌داند انتخاب کردیم.

در اینجا توجه به این نکته ضروری است که فهم ما از شعر شاملو و آدونیس، تنها برداشتی است که از متن کسب کرده‌ایم؛ لذا در صدد آن نیستیم تا حکمی را به شاعران نسبت دهیم. زیرا معتقدیم شعر شهادتنامه نیست؛ بلکه میان آنچه از شعر بر می‌آید و معنی مورد نظر شاعر تفاوت وجود دارد و هر اثر هنری وجودی مستقل از وجود شاعر دارد. هدف ما بررسی شعر به‌عنوان ساختی مستقل و جدا از آفریننده‌اش است. نیز باید اشاره کرد که هدف از بررسی شعر دو شاعر رجحان یکی بر دیگری نیست، بلکه در پی آنیم تا با بررسی و شناخت آثار دو شاعر به ارائه‌ی نمایی از ساختمان آثار آنان پردازیم.

پرسش‌های تحقیق:

- احساس و درک دو شاعر از زمان چیست و آن را چگونه در شعر خود نشان می‌دهند؟
- رویکرد این دو شاعر به زمان چه تأثیری در اندیشه‌ی آنان درباره‌ی زندگی دارد؟ «پوچی یا جاودانگی»

- چه عواملی در شکل‌گیری دیدگاه این دو شاعر نسبت به زمان نقش مؤثر دارد؟

فرضیه‌های تحقیق:

- دو شاعر در سروده‌های خود از زمان بیرونی‌گریزانند و می‌کوشند جایگزینی برای آن بیابند و اغلب به طبیعت، عشق، بازگشت به گذشته، اسطوره و... روی می‌آورند.

- شاملو علی‌رغم میل شدید خود به جاودانگی، گاه به پوچی هم می‌اندیشد و آدونیس در جست‌وجوی جایگزینی برای زمان بیرونی، به زمان اسطوره‌ای پناه می‌برد.

- جامعه و بحران‌ها و شرایط فرهنگی حاکم بر آن می‌تواند از علل توجه دو شاعر به زمان باشد.

پیشینه‌ی تحقیق:

عنصر زمان از جمله مؤلفه‌هایی است که بیشتر در کتب و مباحث اصلی مربوط به روایت‌شناسی از آن بحث شده است. از جمله در کتاب *زمان و حکایت (پیرنگ و حکایت)* از پل ریکور با ترجمه‌ی مهشید نونهالی، که نویسنده در آن با نگرشی نقادانه عنصر زمان را از دیدگاه آگوستینوس و ارسطو مورد بررسی قرار داده است. همچنین چندین مقاله درباره‌ی زمان در حیطه‌ی روایت‌شناسی کار شده است که به عنوان نمونه می‌توان از: «زمان، روایت، ابدیت در شعر حافظ» از علیرضا نیکویی، که در ش ۲، دوره‌ی هفتم نامه‌ی فرهنگستان به چاپ رسیده است و همچنین «بررسی زمان تاریخ بیهقی بر اساس نظریه‌ی ژنت» از فروغ صهبا، ش ۲۱ پژوهش‌های ادبی، «مؤلفه‌های زمان و مکان در قصص قرآنی» از ابوالفضل حری در ش ۸ و ۷ ادب‌پژوهی، «بررسی رابطه‌ی زمان و تعلیق در روایت "پادشاه و کنیزک"» از زهرا رجب‌پور و همکاران در ش ۱۲ مجله‌ی پژوهش زبان و ادب فارسی، نام برد. اما در این مورد خاص یعنی «بررسی تطبیقی زمان در شعر شاملو و آدونیس» تاکنون تحقیقی جداگانه صورت نگرفته است، تنها در کتاب *رویکردهای شعر معاصر عرب از احسان عباس با ترجمه‌ی حبیب‌الله عباسی و در مقاله‌ی «چهره‌ی زمان در شعر معاصر عربی»* از نجمه رجایی که در ش ۱۵۳ مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه مشهد چاپ شده است، اشاره‌ی کوتاهی به زمان در شعر آدونیس شده است.

اهداف تحقیق:

آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد تأثیر و تأثرات دو شاعر نیست؛ بلکه چگونگی تجلی زمان در شعر شاملو و آدونیس بر اساس رویکردهای مختلف و نحوه‌ی برخورد آن‌ها با زمان بر اساس تشابه و توازی است. بنابراین تحقیق ما در حیطه‌ی ادبیات تطبیقی بر اساس مکتب آمریکایی است.

ضرورت تحقیق:

زمان همواره به عنوان یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های مشترک بین جوامع بشری مطرح بوده است. هر فردی رویکردی مختص به خود در برابر آن دارد و عکس‌العملی متناسب با آن نشان می‌دهد. زمان در شعر معاصر تحولی اساسی یافته است و به طور کلی با مفهوم سابق که از آن در سیر تاریخی کلمه و ادب ارائه می‌شد متفاوت گشته است. بررسی چگونگی ظهور این اندیشه‌ی مشترک در شعر شاعران اقوام مختلف و مطالعه‌ی نگرشی که هر شاعر به طور خاص از آن دارد، دریچه‌های تازه‌ای برای شناخت بهتر و عمیق‌تر شاعران و دیدگاهشان نسبت به هستی و شناخت فرهنگی که در آن زیسته‌اند به روی ما می‌گشاید. اگرچه ممکن است دیدگاه‌های متنوعی در این زمینه مطرح شود که نشان از حیرت و سردرگمی بشر در درک این مسأله است؛ اما قطعاً به علت یگانگی فطری و سرشتی بشر، شباهت‌ها و همانندی‌های آن نیز بسیار است.

روش تحقیق:

روش کار در این پایان‌نامه کتابخانه‌ای است. اطلاعات به کمک برگه‌ی تحقیق «فیش» گردآوری شد و سپس به روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت. این پایان‌نامه در شیوه‌ی ارجاع به روش پیشنهادی در کتاب آیین نگارش مقاله‌ی علمی پژوهشی، تألیف دکتر محمود فتوحی توجه دارد و شیوه‌ی نگارش آن، بر اساس دستور خط مصوب فرهنگستان ادب فارسی

است. ارجاع به سروده‌های شاملو و آدونیس به صورت "نام مجموعه‌ی شعری: شماره صفحه" انجام گرفته است. در نقل ابیات رسم الخط بکار رفته در آثار مورد نظر بدون هیچ تغییری رعایت شده است؛ هر چند در برخی موارد با مصوبه‌ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی مغایرت داشته است. همچنین به دلیل عدم دسترسی به تاریخ چاپ متن اصلی برخی از آثار ترجمه شده، از ذکر آن در ارجاع درون متنی و مآخذ خودداری شده است.

کاربرد تحقیق:

این پایان‌نامه در حوزه‌ی ادبیات تطبیقی فارسی و عربی در شعر معاصر کاربرد دارد. مؤسسات آموزشی و پژوهشی، استادان و دانشجویان رشته‌های زبان و ادبیات فارسی و عربی و علاقه‌مندان پژوهش در حوزه‌ی ادبیات تطبیقی و عربی می‌توانند از نتایج این تحقیق استفاده کنند.

در پایان از استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر حقدادی که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، به عنوان استاد راهنمای اول از هیچ کمکی در این عرصه دریغ ننمودند، سپاسگزارم. خود را وامدار محبت استاد صبورم جناب آقای دکتر شامیان می‌دانم که بی شک بدون مساعدت ایشان به عنوان استاد راهنمای دوم، این پروژه به نتیجه‌ی مطلوب نمی‌رسید. از استاد فرزانه و دلسوزم جناب آقای دکتر لامعی گویی که مشاوره‌ی این رساله را عهده‌دار شدند کمال تشکر و قدردانی را دارم. مراتب قدردانی خویش را از بابت آموخته‌هایم از اساتید ارجمند دانشگاه بیرجند ابراز می‌کنم. شایسته است از تمام دوستانی که در این مسیر مرا یاری دادند به ویژه آقایان هادی جوادی و محمد عامری تبار، و همچنین خانم‌ها مونا نیکزادفر و مریم بنایی که عشق به زندگی را در من زنده کردند، یاد کنم. از خانم‌ها آمنه شیبانی، سمیه رجایی، زهرا قربانی، معصومه شاه آبادی، الهام مقبلی، فاطمه زارعی و فاطمه ایزانلو که گرمای وجودشان گرمابخش وجودم بودند نیز تشکر می‌کنم.

فصل ۱- کلیات

دغدغه‌ی مشترکی که همواره ذهن انسان را در دوره‌های مختلف بشری به خود مشغول کرده است، پرسش و پاسخ درباره‌ی زمان، ماهیت حقیقی و چگونگی گذر آن است. توجه به زمان در حیطه‌های گوناگون دینی، فلسفی، ادبی و علمی قابل رؤیت است که نشان دهنده‌ی اهمیت ایده‌ی زمان به عنوان نکته‌ی مرکزی مشترک در بسیاری از شاخه‌های علوم مختلف است.

۱-۱- تعریف لغوی زمان

زمان در فرانسه به Tempes و در زبان انگلیسی با عنوان time شناخته می‌شود که از ریشه‌ی لاتینی Tempes مشتق شده است. این واژه، واژه‌ای است مشترک، بین زبان فارسی و عربی که به معنی «فوت، موت، مرگ، ساعت، روزگار، دهر، سرنوشت و ...» به کار می‌رود (دهخدا: زمان).

۱-۲- زمان و انواع آن در مفهوم اصطلاحی

چنان که اشاره شد هرگروهی بر پایه‌ی مکتب‌های فکری و دیدگاه خود به پژوهش در مورد «زمان» پرداخته است، به همین علت برداشت‌های متغیری از زمان مطرح می‌شود. در این بخش می‌کوشیم به برخی از تعاریف زمان اشاره‌ی مختصری داشته باشیم. توجه به این نکته ضروری است که هدف ما صرفاً معرفی انبوهی از دیدگاه‌ها درباره‌ی زمان نیست؛ بلکه منظور اشاره به دیدگاه‌هایی است که در بحث زمان بیشتر مورد توجه قرار داشته‌اند.

۱-۲-۱- زمان اسطوره‌ای یا چرخه‌ای^۱

ساخت ذهنی انسان اسطوره‌ای که دارای سرشتی غیرتاریخی است و تجربه در آن بی‌اثر است، با اندیشه‌ی انسان مدرن متفاوت است. در فرهنگ اساطیری، که در آن زندگی و مرگ، واقعیت و خیال، گذشته و آینده و... هیچ کدام در تناقض با یکدیگر قرار ندارند، میان جهان مادی و مینوی نوعی وحدت وجود داشت که انسان اسطوره‌ای همواره در گذر میان این دو جهان بود و هیچ مرزی میان این دو ساحت قرار نمی‌داد. انسان خردگرای عالم اسطوره به دو زمان معتقد بود: مقدس و نامقدس. وی از زمان نامقدس که مرگ و نیستی را به همراه داشت، گریزان بود و تمام تلاش خود را به کار می‌گرفت تا با انجام دادن مناسک و تقلید از رویدادهای ازلی به براندازی زمان مادی و احیاء زمان مقدس که متعلق به جهان مینوی بود بپردازد. این رویدادها که از کارکردهای نخستین خدایان و قهرمانان اسطوره‌ای نشأت گرفته بودند به دلیل انجام آن در لحظه‌ی آغاز هستی از اعتبار ویژه‌ای در نزد انسان بدوی برخوردار بود؛ به طوری که آن‌ها را ملاک شکل-گیری فرهنگ‌ها و نهادها و آداب و رسوم‌های خود قرار داده بودند و با به یاد سپردن و تقلید و تکرار دوره‌ای آن به عنوان الگو و سرمشقی تلاش می‌کردند تا شرایطی را مهیا کنند که در آن بتوانند مجدداً به نقطه‌ی آغاز آفرینش دست یابند و از نو زندگی را از سر بگیرند تا بدین طریق صدمات و خرابی‌های ناشی از زمان گذران را به فراموشی بسپارند. بنابراین این رویدادها ملاکی برای تعریف و سنجش زمان، نزد انسان اسطوره‌ای شد» در این معنا زمان پیوسته به حادثه یا کنش و یا رویدادی خاص مربوط می‌شد. مثلاً گفته می‌شد، فصل درو، زمان کاشت، موقع برداشت، وقت عبادت، زمان مرگ و غیره (ضمیران، ۱۳۸۹: ۲۲۶)؛ در این صورت زمان اسطوره‌ای، هیچ‌گاه قابل انعطاف با اعداد «انتزاعی، یک‌بعدی و متجانس نیست، بلکه "کانکریت" و "کیفی" است و بر حسب وقایعی که در آن رخ می‌دهد، متفاوت یا سحرآمیز و مرموز است» (شایگان، ۱۳۸۸: ۱۴۴).

^۱ Circular Time

همچنین این نوع زمان تقسیم ناپذیر و رشته‌ای از لحظات که در پس هم می‌آیند نیست؛ بلکه دارای حرکتی چرخه‌ای است که نه پس دارد و نه پیش، آغاز و پایانش یکی است. مدام دور خود می‌چرخد و در دایره‌ی اکنون ابدی می‌زید و یک زمان است که در آن «گذشته، حال و آینده از یکدیگر متمایز نمی‌مانند؛ زیرا آگاهی اسطوره‌ای به این متمایل است که فرق میان مراحل زمان را از میان ببرد و سرانجام آن‌ها را یک کاسه کند» (کاسیرر، ۱۳۸۷: ۱۸۸). زمان اسطوره‌ای «پایا و کاستی ناپذیر است، آن لحظه‌ی شگفت‌انگیز "بدایت‌ها" که نمونه‌های ازلی، کردارهای بغانه و بالاتر از همه، فعل الهی خلقت ضمن آن به وقوع پیوسته است. زمان مقدس بر خلاف زمان ناسوتی، برگشت ناپذیر نیست؛ بلکه حرکتی دوری دارد و تا بی‌نهایت در حال نوشدن و تکرار است. نه تغییر پیدا می‌کند و نه پایان می‌پذیرد و از یک نقطه نظر حتی می‌توان گفت دهر پارمیندی اصلاً "نمی‌گذرد". لحظه ایست جاودانه که در زندگی انسان باستانی رجعت آن مصادف بود با ایام خجسته‌ی جشن‌ها و هنگام برگزاری آیین‌ها» (الیاده، ۱۳۸۴: ۸).

۱-۲-۲- زمان خطی^۱

زمان خطی که با نام‌های دیگری چون زمان جهانی^۲، زمان آن‌سو رونده^۳، زمان عینی^۴، عادی و ناسوتی، نجومی، طبیعی و مادی، زمان ساعت و گاهنامه‌ای شناخته شده است به فرآیندها و رویدادهای جهان مربوط است و حاصل جهان‌بینی علمی قرن نوزدهم است که با پیشرفت علم و ضرورت "هماهنگی" بین بخش‌های گوناگون زندگی، به‌عنوان رکن مهم زندگی اجتماعی بیشتر مورد پذیرش قرار گرفت.

^۱ Linear Time

^۲ word time

^۳ transcendent time

^۴ Objective time

منظور از این زمان «همین تقسیم بندی زمینی و بلکه انسانی است که بر حرکت وضعی و انتقالی زمین قرار داده شده و سال و ماه و روز و ساعت و اجزایش را همه شناخته و اندوه گذشتنش را نظاره می‌کنیم» (مندنی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۱۴). این زمان، جریانی است خطی و برگشت‌ناپذیر و مستمر که هیچ مانعی نمی‌تواند جلوی حرکتش را بگیرد و بر حسب نظام توالی حوادث تصور می‌شود (مثل دانه‌های تسبیح) حرکت بی وقفه و رو به جلو و بی‌بازگشت زمان تقویمی که از گذشته به سوی اکنون و از اکنون به سوی آینده در جریان است، زندگی را در چشم‌انداز بشری به یک تراژدی تبدیل کرده است؛ زیرا این زمان با «گذشت خود همه‌ی مظاهر حیات را فوت و فرسوده می‌کند و سرانجام به سوی مرگ می‌برد» (الیاده، ۱۳۸۴: ۸). از خصایص این زمان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «کمیت، جایگزین کیفیت زمان می‌شود. اعداد جایگزین تمثیلات می‌گردند. نسبت‌های ریاضی جای هم‌جوهری مرموز اساطیری را می‌گیرند. حرکت "مکانیکی" جایگزین معاد روحانی می‌شود و گسترش افقی جای قوس تصاعدی بازگشت را می‌گیرد و سرانجام زمان یک بُعدی جایگزین زمان همه بُعدی و آیینی می‌شود و بین طبیعت و انسان از یک سو و بین انسان و خدا از طرف دیگر شکافی چنان ژرف حاصل می‌شود که دیاری نمی‌تواند از آن عبور کند» (شایگان، ۱۳۸۸: ۱۷۷).

۱-۲-۳- زمان روانی^۱

زمان روانی یا زمان حسی - عاطفی از نظر تئوریک بحثی نسبتاً جدید است و بیشتر تحت تأثیر اندیشه‌های هانری برگسون قرار دارد. جایگاه این نوع زمان، نه در آفاق و در برآمدن ماه و خورشید؛ بلکه انفسی و در ذهن انسان است. این نوع زمان محاسبه‌پذیر نیست و کیفی است و «واحد ثابت مثل ثانیه‌های زمان تقویمی، یا مدت زمانی که نور سیصد هزار کیلومتر طی می‌کند،

^۱ Psychological Time

ندارد. واحد آن کش آمدنی یا کوتاه‌شدنی است و فاعل تعیین‌کننده‌ی چنین واحدی، حس ماست» (مندنی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۱۶).

زمان حسی «براساس این حقیقت پایه‌گذاری شده است که گذشت زمان در بیرون از موضوع خود به صورتی فیزیکی و یکنواخت جریان ندارد. گذشت زمان در درون موضوع مورد نظر به اعتبار شرایطی که بیرون از آن وجود دارد. یعنی در ارتباط با خوشی و یا ناخوشی لحظات موجود در آن ریتمی متفاوت خواهد داشت» (مکی، ۱۳۸۸: ۳۹-۴۰). وبدین ترتیب دارای شدت و ضعف است. شادی سبب گذشت سریع‌تر زمان می‌شود، حال آن‌که اندوه و ناراحتی ساعات طولانی‌تری بر ما تحمیل می‌کند.

۱-۲-۴- زمان گرامری^۱

زمان در اصطلاح دستوری عبارت است از: «وقوع فعل در هنگامی و آن شامل، ماضی، حال و مستقبل است» (معین: زمان). از این سه زمان، زمانی که ارزش حقیقی دارد، زمان حال است و زمان گذشته و آینده فقط ارزش اعتباری دارند و این ارزش را به اعتبار زمان حال به دست می‌آورند. مبدأ سنجش زمان حال نیز لحظه‌ی تکلم (تفکر) است. هرچه مربوط به لحظه‌ی پیش از تکلم (زمان حال) باشد گذشته و هر چه هنوز رخ نداده است مربوط به آینده است. زمان گرامری هرگز به مفهوم مطلق نیست؛ بلکه مفهومی نسبی است و واحدهای زمان نجومی از کوچک‌ترین آن‌ها گرفته تا بزرگ‌ترینشان تأثیری در بیان زمان گرامری ندارند. آنچه گذشته، گذشته نامیده می‌شود و دیگر ثانیه و دقیقه و روز و سال و نمی‌تواند در آن تأثیری بگذارد و نامی جز این نمی‌توان بر آن نهاد.

^۱ Grammatical Time

۱-۲-۵- زمان فلسفی^۱

از قدیم چند دیدگاه متفاوت از نظر فیلسوفان درباره‌ی مفهوم زمان مطرح بود که شرح جامعی از همه‌ی این تعابیر ناممکن است. همان‌گونه که اشاره شد در جهان‌بینی اساطیری پیش از ظهور فلسفه، جهان مادی و جهان معنوی در ارتباطی هماهنگ با یکدیگر قرار داشتند؛ اما با ظهور نخستین فلاسفه چون طالس، آناکسیمنس و هراکلیتوس انقلاب فکری عظیم و مستقلی نسبت به سنت اساطیری گذشته در دیدگاه انسان نسبت به جهان پدید آمد که منجر به دوگانگی و فاصله میان جهان مادی و مینوی شد. با تکامل فلسفه زبان تمثیلی جای خود را به زبان اسطوره‌ای داد که مهم‌ترین نماد این گذار از اندیشه‌های اسطوره‌ای به جهان‌بینی فلسفی را می‌توان در تحول مفهوم و معنای زمان مشاهده کرد. زمان که تا قبل از این دارای ساختار اسطوره‌ای بود و به حوادث و کنش و رویدادهای خاصی پیوند داشت، مفهوم اصیل اساطیری اش را از دست داد و با پیوندیافتن با عدد تبدیل به مفهوم کمی و انتزاعی گردید. فیثاغورث اولین کسی بود که بحث زمان کیهانی را مطرح کرد و گفت: «این زمان با گردش ادواری اجرام آسمانی سروکار دارد» (ضیمران، ۱۳۸۹: ۱۲۰). این اندیشه‌ی فیثاغورث مورد استفاده‌ی اندیشمندان و فلاسفه‌ی بعد از وی قرار گرفت.

افلاطون زمان را تابع ابدیت می‌دانست و معتقد بود که زمان در این عالم کون و فساد متغیر است؛ اما بنیاد آن به زمان ثابتی که در عالم مثل است برمی‌گردد.

هرچند اندیشه‌های ارسطو را در تقابل با اندیشه‌های افلاطون می‌دانند؛ اما وی منکر ابدیتی که افلاطون قائل به آن بود نیست؛ بلکه در صدد برآمد تا به بیان عقلانی آن بپردازد و به آن جلوه‌ای زمینی و این جهانی دهد و به عبارت دیگر از آن اسطوره‌زدایی نماید. از دید ارسطو حقیقت امری متعالی نیست؛ بلکه باید با دخالت قوای حسی درک شود. فلسفه‌ی وی را برهه‌ی حساس در

^۱ Philosophical Time

تاریخ تفکر غرب دانسته‌اند به طوری که می‌توان فلسفه‌ی او را نقطه‌ی آغاز این سخن ماکس وبر^۱ دانست که گفت: «علم غربی از جهان افسون زدایی کرده است» (لوی برول، ۱۳۸۹: ۱۷). زیرا وی خردورزی فلسفی را از گرایش‌های اساطیری جدا ساخت. «در نظر ارسطو، شناخت تنها به حوزه-ی آگاهی فردی محدود می‌شود و برخلاف اندیشه‌های افلاطون از هر گونه عامل اساطیری پالوده شده بود» (ضمیران، ۱۳۸۹: ۲۰۹). «ارسطو زمان را بدون حرکت غیرقابل تصور می‌داند، یعنی زمان عبارت از لحظه‌هایی است که همچون حلقه‌های زنجیر قبل و بعد را به یکدیگر مربوط می‌سازد. ارسطو ابزار سنجش زمان را اکنون قرار داد و بدین وسیله آن را به واحدهای "قابل شمارش" تقسیم می‌نماید» (همان: ۲۲۶).

می‌توان زمان ارسطویی را زمان عینی و مبتنی بر گاهشماری دانست که برای نظام‌بخشیدن به فعالیت‌های روزمره‌ی آدمی به کار می‌رود که این نظر در تقابل با نظر اندیشمندان قبل از وی چون هراکلیتوس و افلاطون که زمان را مقوله‌ای متافیزیکی می‌دانستند قرار داشت. از این زمان به بعد به مدت ۲۵۰۰ سال تلاش فلسفه در جهت پاسخگویی به این پرسش است که مقوله‌ی زمان امری عینی است یا ذهنی.

آگوستینوس قدیس^۲ معتقد است که زمان پیش از آن‌که وجهی عینی از جهان باشد، صرفاً انبساط و امتداد خود ذهن است. «نه آینده و نه گذشته هیچ‌یک وجود ندارند و از این روی تقسیم زمان به سه بخش گذشته، حال و آینده از صحت قطعی برخوردار نیست» (آگوستینوس، ۱۳۸۷: ۳۷۲). این ضمیر آدمی است که با گسترانیدن خویش، گذشته و آینده را می‌سازد و گذشته و آینده از طریق آنچه در زمان حال می‌گوییم و انجام می‌دهیم وجود دارد. از نظر او ساحت‌های زمانی در یک نقطه جمع می‌شود و آن نقطه‌ی جاویدان و دائم، اکنون جاودانه است و بر سه نوع است: حال

¹ Max Weber

² Saint Augustine

گذشته، حال حال و حال آینده. جایگاه این سه به نوعی در ذهن است و نه در جایی دیگر. حال گذشته همان حافظه است، حال حال مشاهده است و حال آینده انتظار است. از جمله فلاسفه‌ی دیگری که در این حیطه‌ی فکری با نظر آگوستین مبنی بر زمان ذهنی موافق هستند می‌توان از لایپ‌نیتس^۱ و کانت^۲ نام برد که معتقدند زمان هستی خارجی ندارد بلکه دارای وجود ذهنی است. اما در این میان نباید از توجه به تعدادی دیگر از فلاسفه که در صدد برآمدن تا بین این دو ساحت زمان (عینی و ذهنی)، پیوند برقرار کنند و جهان و انسان را جامع هر دو زمان قرار دهند، غافل ماند. در نظر ایشان زمان دارای هر دو جنبه‌ی کمی و کیفی است که در این میان اصالت و برتری از آن زمان کیفی است و جنبه‌ی کمی زمان - گرچه در زندگی سودمند است - امری است جعلی که با خارجیت بخشیدن و مکانی کردن زمان درونی حاصل آمده است» (هایدگر، ۱۳۸۸: ۷۰۳-۷۰۴). هایدگر با مبحث زمان کمی و کیفی‌اش و برگسون با مبحث زمان مطلق و نجومی‌اش در این دسته می‌گنجند.

این رویکردها هرچند شباهت‌ها و اختلافاتی با یکدیگر دارند؛ اما به طور کلی می‌توان آن‌ها را در دو دسته گنجانند:

۱- زمان عینی و بیرونی: که این نوع زمان را باید تحمیلی دانست؛ زیرا هر یک از ما بایستی خود را با آن مطابقت دهیم و حقیقتی بیرونی و واقعی است، قسمتی از ساختارهای اساسی جهان است و بُعدی است که اتفاقات پشت سرهم در آن رخ می‌دهند. همچنین این دیدگاه بیان می‌کند که زمان قابل اندازه‌گیری است که بر مبنای دقایق و ثانیه‌ها سنجیده می‌شود و انجام این مسیر، مرگ و نیستی است.

¹ Leibnitz

² Imanuel Kant